

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لینکه سایتونگ

برگردان آزاد از: مینا

۰۶ اکتوبر ۲۰۲۰

درگیری قره باغ، دخالت تروریست‌های ترکیه و نقش روسیه



نادی هاربی، یکی از اعضای یک گردان فرماندهی زنان سوریه، دیروز به روزنامه چپ المان نوشت: من اطلاعات حساس و اثبات شده ای در مورد اعزام مزدوران از سوریه به آذربایجان توسط ترکیه دارم. من دوستانی دارم که در مناطقی (شمال استان حلب) تحت اشغال نیروهای ترکیه و گروه های مسلح غیرقانونی (تروریست ها) زندگی می کنند. شما برخی از افراد را می شناسید. از آنها درخواست شده در ازای دریافت حقوق ماهانه ۲۰۰۰ دالر به درگیری قره باغ بپیوندند. آنها گفتند که ارتش ترکیه (احتمالاً اطلاعات ارتش) توانسته بیش از ۹۰۰ نفر از مزدوران را برای این هدف استخدام کند، بیشتر این افراد از اعضای ارتش آزاد سوریه هستند که در عملیات شاخه زیتون ترکیه نیز شرکت داشتند. ابتداء تروریستها به صورت گروههای ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفره به اردوگاه نظامی در نزدیکی شهر کلیس ترکیه در مرز سوریه و ترکیه اعزام شدند. در آنجا به مدت ۲-۱ روز آموزش دیدند. سپس آنها را با اتوبوس به فرودگاه شهر گازیانتپ (شمال کیلس) منتقل کردند و از طریق هوایی به آذربایجان فرستادند.

متأسفانه دوستان من از نقطه فرود آنها در جمهوری آذربایجان بی اطلاعند. با ورود به آذربایجان ، مزدوران مسلح و ملبس به لباس نیروهای مسلح آذربایجان شدند و به جبهه قره باغ کوهستانی اعزام شدند. تروریست های در استخدام ترکیه در نبرد با ارتش ارمنستان شرکت می کنند و احتمالاً متحمل خسارات زیادی (کشته و زخمی) می شوند. انقره و باکو از آنها به آسانی در این جنگ استفاده می کنند چون آنها بعد از شکست در سوریه و فرار به ادلب از پشتیبانی مالی جدی هیچ کشوری برخوردار نیستند.

ترکیه مزدوران سوریه‌ئی را فریب داد و به عنوان بخشی از سیاست خارجی تهاجمی ترکیه به باکو ارسال کرد تا عملیات جنگی خود را در قفقاز از سر بگیرد. رهبری آذربایجان از این مزدوران استفاده می کند تا تلفات احتمالی سربازان خودی را کاهش دهد و خشم مردم از کشته شدن سربازان آذری را که موجب زیر سؤال بردن فرماندهی جنگ می شود کاهش دهد. به همین دلیل ، ستاد کل آذربایجان در عملیات های رزمی فقط از تروریست های سوری در خط مقدم استفاده می کند. تروریست ها تلفاتی خواهند داشت، اما سربازان آذربایجانی متحمل خسارت کمتری می شوند، از آنها به عنوان گوشت دم توپ استفاده می شود. در حال حاضر تمام ۹۰۰ مزدور در منطقه قره باغ مشغول جنگیدن هستند».



وضعیت جبهه در روز هفتم جنگ

پس از آن که اردوخان و دولت آذربایجان تمام تلاش های روسیه، ایالات متحده و اتحادیه اروپا را برای دستیابی به آتش بس رد کردند، آذربایجان با شدت تمام و حمایت آشکار ترکیه به جنگ خود علیه قره باغ ادامه می دهد. این امر منجر به خسارات قابل توجه به مردم، خانه و زندگی هر دو طرف شده است. تعداد تلفات دو طرف تا به حال بیش از ۱۰۰۰ نفر است. به علت موقعیت نظامی مستحکم ارمنه در ارتفاعات کوهستانی ، تاکنون هیچ پیشرفت بزرگی از سوی ارتش آذربایجان حاصل نشده است.

آذربایجان عمدتاً با هواپیماهای بدون سرنشین جنگی اسرائیلی و ترکیه‌ای برای ساکنان ارمنی مزاحمت‌ها و مشکلاتی ایجاد می‌کند. از این پهپادها ترکیه در جنگ تجاوزکارانه لیبیا هم استفاده موفقیت آمیزی کردند. سیستم دفاعی نسبتاً مدرن ارمنی‌ها اما آمادگی مقابله با این تعداد پهپاد را ندارد.

باکو از نظر استراتژیک بر جنگ طولانی و فرسایشی اصرار دارد، زیرا از ارتشی دارای چهار برابر نفرات ارتش ارمنستان برخوردار است و به دلیل درآمد نفتی از منابع مالی بیشتری سود می‌برد. همچنین می‌تواند روی حمایت نظامی فعال ترکیه حساب باز کند. تجهیزات نظامی ترکیه توسط ستون‌های کامیون ترکیه از طریق خاک گرجستان به آذربایجان ارسال می‌شد و اکنون از فرودگاه‌های عراق و دبی.

اردوخان ادعا کرده که تا رسیدن به هدف جنگ یعنی فتح کامل قره باغ که بخشی از آذربایجان محسوب می‌شود، جنگ متوقف نخواهد شد. علی‌اف دیکتاتور آذربایجان نیز اظهار داشت که مذاکره با ارمنستان بی‌معنی است. باکو تا «آزادی» کامل قره‌باغ مذاکره نمی‌کند.



استدلال‌های انقره و باکو بر قوانین بین‌المللی استوار است، که طبق این قوانین قره باغ کوهستانی بخشی از خاک آذربایجان است. در زمان اتحاد جماهیر شوروی قره باغ کوهستانی خودمختار و به عنوان بخشی از جمهوری شوروی آذربایجان بود. پس از فروپاشی، جنگی در سال ۱۹۹۱ در گرفت که در سال ۱۹۹۴ با شکست کامل آذربایجان و ترسیم مرزهای امروز به پایان رسید. پس از آن، اقلیت‌های ساکن منطقه جنگی مربوطه آواره شدند آذری‌ها به محدوده آذربایجانی گریختند و تا امروز به شکل بی‌و بد خانمان مورد تحقیر دیگر آذری‌ها و در بیخوله‌ها زندگی می‌کنند، کار به آنجا کشید که امروزه تقریباً هیچ آذربایجانی در قره باغ و یا به عکس، هیچ ارمنی در آذربایجان زندگی نمی‌کند. پیش‌زمینه این اتفاقات این است که دو منطقه فوق‌العاده متفاوت هستند. ارمنی‌های قومی در قره باغ و آذری‌ها در آذربایجان زندگی می‌کنند. اولی‌ها مسیحی هستند، دومی مسلمان هستند.

با این سوابق و یک قرن جنگ و درگیری و فتوحات توسط کردهای مسلمان، فارس‌ها، ترکمن‌ها و عثمانی و الحاق به امپراتوری تزاری در سال ۱۸۰۶، بالاخره ارمنی‌های قره باغ برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ مستقل شدند. این اتفاقات مشابه درگیری کریمیه است، که در آن اوکراین و امپریالیست‌های غربی که از تعلق کریمیه به اکرائین حمایت می‌کنند، به حقوق بین‌الملل استناد می‌کنند، این واقعیت که شرط قانون بین‌الملل مبنی بر این که مرزهای موجود نباید به زور تغییر یابد، تابع اصل عالی حقوق بین‌الملل است، حق تعیین سرنوشت انسان. در مورد کریمیه،

بیش از ۹۰٪ مردم به عضویت در روسیه رأی مثبت دادند. امروز ساکنان مورد مناقشه قره باغ کوهستانی نیز همگی موافق استقلال خود و مخالف پیوستن به آذربایجان هستند، زیرا هیچ ارتباط قومی، زبانی، مذهبی و تاریخی با آذری‌ها ندارند. (البته نویسنده به این نکته اشاره نمی‌کند که کریمیه همیشه بخشی از روسیه بوده و اصولاً شوروی به نام اکرائین اختراع شوروی بود در سال ۱۹۱۷ از طرف شوروی به شکل تصنعی بنیاد نهاده شد. ارمنستان و آذربایجان هم تا مستقل شدن شان از شوروی به عنوان یک کشور مستقل وجود خارجی نداشتند بلکه مانند اکرائین با اراده رهبران اتحاد شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۱۸ تأسیس شدند تقسیمات جغرافیایی این کشورها بر اساس تصمیمات متناسب آن دوران و نه واقعیت‌های امروز صورت گرفته بود تا قبل از این تاریخ این کشورها یا جزئی از ممالک محروسه ایران و یا امپراتوری تزاری روسیه و بعداً شوروی بودند - مترجم)

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تاریخ جوان این مناطق تنها راه حل منازعه مطابق با قوانین بین‌المللی همه‌پرسی مردم قره باغ کوهستانی در مورد آینده آن است.

به دلیل همجواری فرهنگی با روسیه، مداخله دیپلماتیک و حتی نظامی روسیه قابل تصور است، اما این وضعیت را پیچیده می‌کند. این پیچیدگی از آنجا مشهود است که روسیه، همراه با ایالات متحده و اتحادیه اروپا خواستار آتش بس شده‌اند و نه به تنهایی. این وجه مشترک به این دلیل است که امپریالیست‌های غربی ارمنستان را پس از انقلاب رنگی «مخملی» خود در سال ۲۰۱۸ «کشور» خود شأن می‌دانند و به عکس، روسیه علاقه‌ای به تقویت ارمنستان با دولت فعلی غربگرایش ندارد.

ایران نیز به دلیل این که بیشتر ساکنان استان‌های شمالغربی اش را آذری‌ها تشکیل می‌دهند علاقه‌ای به بالا گرفتن درگیری‌ها نداشته و خواستار حفظ وضع موجود است.

این واقعیت که جنگ تجاوزکارانه آذربایجان باعث نزدیک شدن منافع بین قدرتها شده است، ناشی از تلاش‌های توسعه طلبانه اردوخان برای احیای امپراتوری عثمانی است. ترکیه در جنوب شرقی مرزهایش شمال سوریه را اشغال کرد، در لیبیا رژیم دست‌نشانده‌ای را راه‌اندازی کرد، در غرب تلاش می‌کند مرزهای خود را با یونان تغییر دهد و اکنون در شمال شرقی آذربایجان جنگ افروزی علیه ارمنستان را تشویق می‌کند.

اردوخان معتقد است با توجه به بن‌بست بین قدرت‌های بزرگ توانائی موفق شدن در نقشه‌های توسعه طلبانه را داشته و از پرداخت هزینه‌های این جنگ باکی ندارد. حمایت روسیه از ارمنستان روابط شکننده روسیه و اردوخان را دچار بحران می‌کند و اردوخان می‌تواند سیاست اشغالگری خود را در سوریه گسترش دهد.

به همین دلیل روسیه به اردوخان اجازه آتش افروزی داده است به شرطی که از نیروهای ارتش ترکیه مستقیماً در این درگیری استفاده نشود. یوگنی پریگورین، الیگارش روس، که از نزدیکان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه است، در مصاحبه با روزنامه ترکیه آیدینلیک گفت:

«تا زمانی که ترکها از مرز ارمنستان عبور نکنند، آنها حق کامل دخالت در درگیری قره باغ را دارند. ارمنستان و آذربایجان سالها فرصت داشتند که به درگیری در قره باغ کوهستانی پایان دهند، روسیه آنها را به میز مذاکره دعوت کرد. پس از انقلاب نارنجی سال ۲۰۱۸، تعداد بسیار زیادی از سازمان‌های غیردولتی امریکائی NGO در خاک ارمنستان ظاهر شدند. این مسأله اصلی است. امریکائی‌ها درگیری را تحریک می‌کنند. هنگامی که ما درباره رفتار ترک‌ها به مسأله صحبت می‌کنیم، فقط می‌توانیم به آنها حسادت کنیم که دولت ترکیه تصمیماتش را سریع و روشن می‌گیرد. هیچ دلیلی برای انتقاد از اردوخان وجود ندارد زیرا او اقدام تجاوزکارانه‌ای انجام نمی‌دهد. هر کاری که می‌کند، با هدف دفاع از منافع ملی مردمش انجام می‌دهد. این بدان معناست که او حق کامل چنین کاری را دارد.»

اما تشویق اردوخان به جنگ افروزی در واقع یک دام است. روسیه ، ایران ، کشورهای عربی و امپریالیست های غربی با علاقه به مهار سیاست خارجی تهاجمی اردوخان با هدف تضعیف او توافقاتی کرده اند. آنها از طریق تحریم های اقتصادی و با هدف تضعیف هر چه بیشتر لیر ترکیه و اطمینان از این که اردوخان با ماجراجویی های بیشتر نظامی ضعیف خواهد شد عمل می کنند ، ارمنستان از سوی آنها به هیچ وجه به حال خود رها نمی شود ، بلکه به طور مخفیانه پشتیبانی می شود - شبه نظامیان کرد و ارمنی از سوریه و لبنان در حال حاضر برای حمایت طرف ارمنی وارد عمل شده اند.